



The University of Tehran Press

Foundations and Challenges of Social Responsibility in International Trade Agreements

Hamid Hamidian¹  | Ali Rezaiee²✉

1. Assistant prof. Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran.
Email: h.hamidian69@yahoo.com
2. Corresponding Author; Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: ali62rezaee@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	In recent decades, social responsibility has been a missing link in international investment and trade agreements. Understanding the nature and basis of this responsibility, as well as the challenges it faces, are critical issues that need to be addressed. Research findings indicate that the soft language of agreements, fears of the economic consequences of invoking this condition, the potential for government abuse, litigation costs, and the predominance of a commercial approach in courts hamper the implementation of social responsibility in international trade agreements. It seems that providing a conducive environment for the free presence of civil society representatives, considering social responsibility within the framework of the principle of fair treatment, and invoking general legal principles such as the principle of good faith and implementing effective incentive policies could lead to the establishment of this condition in trade agreements. Ultimately, based on the experiences examined in trade agreements, it appears that Iranian policymakers should promote social responsibility and legally solidify soft law rules in investment laws, regulations, and treaties, while also making the implementation of this responsibility contingent upon the preservation of vital interests. This way, justifiable actions can lead to lower costs for the country regarding non-fulfillment of obligations to foreign investors.
Pages: 2365-2393	
Received: 2022/03/01	
Received in Revised form: 2022/09/17	
Accepted: 2022/10/24	
Published online: 2024/12/21	Hamidian, Hamid; Rezaiee, Ali (2025). Foundations and Challenges of Social Responsibility in International Trade Agreements. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (4), 2365-2393. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339056.3032
Keywords: <i>Iranian legal system, the Canada-Peru Free Trade Agreement, the North American Free Trade Agreement, the Trans-Pacific partnership agreement, sanctions, social responsibility, World Trade Organization.</i>	
How To Cite	
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.339056.3032
Publisher	The University of Tehran Press. 



مبانی و چالش‌های مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تجاری

حمید حمیدیان^۱ | علی رضایی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: h.hamidian69@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: ali62rezaee@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۳۶۵-۲۳۹۳ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ کلیدواژه‌ها: سازمان تجارت جهانی، ضمانت اجرا، مسئولیت اجتماعی، موافقت‌نامه حاشیه اقیانوس آرام، موافقت‌نامه کانادا-پرو، موافقت‌نامه نفتا، نظام حقوقی ایران.	حلقه مفقوده عمده موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و تجارت در عرصه بین‌المللی در چند دهه اخیر، مسئولیت اجتماعی بوده است. چپستی و چرایی ماهیت و مبانی این مسئولیت و چالش‌های فراروی آن مهم‌ترین مسائلی است که باید بدان پاسخ داده شود. نتایج تحقیقات گویای این واقعیت است که زبان نرم و فقدان جدیت، ترس کشورها از عواقب اقتصادی استناد به این شرط، امکان سوءاستفاده دولت‌ها، هزینه‌های دادرسی و غالب بودن رویکرد تجاری در محاکم رسیدگی از چالش‌های پیاده‌سازی مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تجاری است. به‌نظر می‌رسد فراهم کردن زمینه حضور آزادانه نمایندگان جامعه مدنی، در نظر گرفتن شرط مسئولیت اجتماعی در چارچوب اصل رفتار منصفانه و استناد به اصول کلی حقوقی چون اصل حسن‌نیت و اعمال سیاست‌های تشویقی مؤثر بتواند راهکاری مناسب جهت تثبیت حقوقی این شرط در موافقت‌نامه‌های تجاری باشد. در نهایت بر اساس تجربه مورد بررسی در موافقت‌نامه‌های تجاری، به‌نظر می‌رسد سیاستمداران ایرانی نیز باید ضمن ترویج مسئولیت اجتماعی و تثبیت حقوقی قواعد نرم در قوانین و مقررات و معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری، تا حد امکان اعمال این مسئولیت را منوط به ضرورت دفاع از منافع حیاتی کنند؛ تا با توجیه‌پذیر بودن اقدامات، کشور هزینه کمتری در قبال عدم اجرای تعهدات در قبال سرمایه‌گذاران خارجی بپردازد.
استناد	حمیدیان، حمید؛ رضایی، علی (۱۴۰۳). مبانی و چالش‌های مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تجاری. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۴)، ۲۳۶۵-۲۳۹۳. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339056.3032
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.339056.3032
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

با معطوف شدن توجه عمومی بر آثار اجتماعی جهانی‌سازی تجارت از سال‌های ابتدایی دهه ۹۰، موضوعاتی چون شفافیت، پایداری و انصاف، حفاظت بیشتر از استانداردهای محیط زیست و ایمنی در توافقاتنامه‌های تجاری بین‌المللی اهمیت دوچندان یافت (پاسبان و اصغری، ۱۳۹۳: ۵۴). به‌زعم برخی محققان، گنجانیدن شرط مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد به ارتقای استانداردهای کار و محیط زیست در سطح جهانی منجر می‌شود (Slater, 2015: 131). در همین زمینه جامعه بین‌الملل در دهه‌های گذشته تلاش‌های زیادی کرده است تا مسئولیت اجتماعی را در توافقات تجاری بین‌المللی بگنجانند، که این تلاش‌ها درجاتی از موفقیت را به‌همراه داشته است (Gerard Ruggie, 2007: 819). این مقاله با هدف شناسایی اختیارات دولت‌ها در تضمین مسئولیت اجتماعی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که مبنای طرح مسئولیت اجتماعی و ضمانت اجرای حقوقی آن در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تجاری چیست و چه چالش‌ها و راهکارهایی برای تثبیت آن وجود دارد. یافته‌های پژوهش علاوه بر تنویر جنبه‌های مختلف بحث، برای دولت ایران که متمایل به عضویت در سازمان تجارت جهانی در آینده‌ای نزدیک است، اهمیت دوچندان دارد. بر همین اساس، ابتدا مفهوم مسئولیت اجتماعی و مبانی نظری درج یا عدم درج چنین شرطی در موافقت‌نامه‌های مهم تجاری مورد مطالعه بررسی می‌شود. سپس با الگوگیری از تجارب و توجه به چالش‌ها سعی می‌شود راهکارهای تحکیم حقوقی مسئولیت اجتماعی در تجارت بین‌الملل و نظام حقوقی ایران ارائه شود.

۲. مفهوم و ماهیت مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی مفهومی پویا و در حال تحول در زمان است و تفسیر هر جامعه از این مسئولیت مبتنی بر ارزش‌های متفاوت متغیر است (قنبری جهرمی و شفیعی بافتی، ۱۳۹۲: ۱۷۶). از طرفی مفهوم مسئولیت اجتماعی در چارچوب و نظامات حقوقی سیاسی هر کشور متفاوت است. در رویکرد کشورهای حقوق رومی-ژرمنی، مسئولیت اجتماعی شکل خاصی از مسئولیت حقوقی و به‌نوعی در حوزه خسارت‌های معنوی قرار گرفته است. لیکن کشورهای کامن‌لا، این مسئولیت را جزئی از اخلاق تجاری و رفتار اجتماعی مسئولانه و نوعی فعالیت‌های خیرخواهانه بنگاه تجاری که فاقد ماهیت حقوقی است می‌دانند (نوری یوشانلوئی و جوهر، ۱۳۹۳: ۶۰۵).

مسئولیت اجتماعی به مفهوم توسعه‌یافته نزدیک است که بر سه عنصر اصلی حمایت محیطی، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی مبتنی است (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۱۲)، فرصت‌های درآمدزایی

برای ذی‌نفعان^۱ (بستانکاران، کارمندان، مشتریان و جوامع محلی) و سهامداران به ارمغان می‌آورد و به آنها امنیت محل کار، کاهش آلودگی و حفاظت از محیط زیست و افزایش کیفیت زندگی کارگران ارائه می‌کند (Licht, 2004: 649). در تعریفی جامع‌تر بیان شده است که مسئولیت اجتماعی «سیاست‌هایی است که نگرانی‌های محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی و به اصطلاح خطوط سه‌گانه^۲ را مدنظر قرار داده است» (Civins & Mendoza, 2008: 368-369). در نهایت به عقیده نگارندگان، مسئولیت اجتماعی، اصول و ضوابطی با چارچوب اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی است که کشورها را به‌سوی توسعه پایدار سوق می‌دهد.

۳. مبانی نظری

پاسخ بدین پرسش که چرا بنگاه‌های تجاری باید به مسائلی غیر از سود حداکثری بپردازند و یا اینکه چرا باید مسئولیت اجتماعی در توافقات بین‌المللی تجاری که هدف اصلی آنها کاهش یا برداشتن موانع پیش روی تجارت است، به‌عنوان یک مقررۀ ذکر شود مستلزم بررسی مبانی این مسئولیت است. در ادامه رویکردهای مختلف در این زمینه بررسی می‌شود.

۳.۱. موافقان

موافقان درج شرط مسئولیت اجتماعی در توافقات مهم تجاری و سرمایه‌گذاری معتقدند رشد روزافزون تجارت، به کشورهای توسعه‌یافته و درج شرط مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی این امکان را می‌دهد تا به‌طور بالقوه استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی برخلاف آنچه در کشورهای میزبان اتفاق می‌افتاد تقویت شود (Wagner, 2017: 208). دکتر ارنست اولریچ پترسمن^۴ از طرفداران گنجانیدن شروطی با مضامین مسئولیت اجتماعی چون شروط حقوق بشر، مقررات زیست‌محیطی و کارگری است و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی چون سازمان تجارت جهانی را به‌عنوان ابزارهایی برای تقویت استانداردها و همچنین استفاده از توافقات برای ایجاد معیارهای اجرایی می‌داند (Petersmann, 2002: 621). پترسمن از اقتصاددانان می‌خواهد تا دیدگاه توسعه اقتصادی خود را وسعت بخشند و از ظرفیت توافقات تجاری برای ایجاد یک تغییر سودمند اجتماعی استفاده کنند. با این حال بیشتر اقتصاددانان

1. Beneficiaries

2. Triple Bottom Line

۳. مفهوم «خطوط سه‌گانه» به این تفکر اشاره دارد که شرکت‌ها می‌توانند اهداف محیط زیستی و اجتماعی را در کنار اهداف اقتصادی و رفاه اجتماعی مدیریت کنند (Wagner, 2017: 197).

4. Dr. Ernst-Ulrich Petersmann

نگران این هستند که گنجانیدن این شروط سبب اعمال اقداماتی محافظه کارانه شود. اما به باور پترسمن درج این شروط تأثیر مثبت متقابلی دارد، زیرا ثبات کشورها را افزایش می‌دهد و همین موضوع سبب جذب سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی می‌شود. افزون بر این اگر جامعه بین‌المللی به حقوق جوامع احترام نگذارد، ناخودآگاه محدودیت‌های دولتی و خصوصی در رقابت اقتصادی پدیدار می‌شود و در نهایت موجب کاهش رفاه عمومی شده و به مانعی برای توسعه تجارت تبدیل می‌شود. نمونه بارز این مسئله هنگامی رخ می‌دهد که کسب‌وکارهای کشاورزی مقادیر زیادی آب مصرف کنند و این امر به کاهش شدید آب بینجامد. از آنجایی که صنعت کشاورزی به آب وابسته است، استفاده بیش از حد از آب در حقیقت هم به صنعت کشاورزی و هم به محیط‌زیست آسیب می‌زند (Petersmann, 2002: 632-634).

جان مکی^۱ بنیانگذار فروشگاه زنجیره‌ای غذای کامل^۲ معتقد است که بنگاه‌های تجاری وظیفه‌ای مضاعف نسبت به سهام‌داران و ذی‌نفعان بالقوه (جامعه و محیط زیست) شرکت دارند و انجام کسب‌وکار با در نظر گرفتن جامعه می‌تواند سودمند باشد، زیرا سبب می‌شود بازخوردهای تبلیغاتی مثبتی برای آن شرکت ایجاد شود و در نهایت به نفع تمام سهام‌داران از جمله سرمایه‌گذاران می‌شود. مکی بر لزوم سود حداکثری برای رسیدن به اهداف کسب‌وکار صحه می‌گذارد، اما با دیدگاه فریدمن مخالف است و چنین می‌پندارد که تنها هدف از کسب‌وکار، سود حداکثری است. مکی معتقد است تجارت بین‌المللی مسئولیت‌پذیر نه تنها در مرزهای داخلی، بلکه در خارج از کشور نیز تمایل به همکاری کشور میزبان را برمی‌انگیزاند که این همکاری سبب ایجاد تجارت پایدار می‌شود و به کشورها این امکان را می‌دهد تا بر اساس یک الگوی صحیح رو به جلو حرکت کنند و سرانجام به یک معیار بین‌المللی برای انجام تجارت چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی با روشی پایدار برسند (Wagner, 2017: 209).

۲.۳. مخالفان

مخالفان معتقدند گنجانیدن شرط مسئولیت اجتماعی در توافقات مهم تجاری بر خلاف هدف این موافقت‌نامه‌ها عمل می‌کند و برای رشد تجارت مانع می‌تراشد (Gathii, 2001: 727).

یکی از تأثیرگذارترین مخالفان درج شرط مسئولیت اجتماعی پروفیسور میلتن فریدمن^۳ است. او معتقد است تنها مسئولیت اجتماعی یک شرکت، افزایش حداکثری سود سرمایه‌گذار است و

1. John Mackey

2. Whole Foods

این شرکت یک زنجیره سوپرمارکت چندملیتی آمریکایی است که مقر آن در آستین، تگزاس است و به‌طور انحصاری محصولات عاری از چربی‌های هیدروژنه و رنگ‌های مصنوعی، طعم‌دهنده‌ها و مواد نگهدارنده را به فروش می‌رساند.

3. Professor Milton Friedman

محدودیت‌های محیط زیستی و به‌خصوص حقوق کارگری روی رقابت خصوصی تأثیر می‌گذارد و در رسالت اصلی آنها یعنی کسب سود اخلاص به‌وجود می‌آورد. فریدمن طرفدار سود حداکثری است و خواستار سرازیر شدن سود از کشورهای ثروتمند به فقیر است، از این‌رو مخالف نظامی است که این مسائل را الزام‌آور کند (Wagner, 2017: 209). پروفیسور فیلیپ آلستون^۱ نیز همانند فریدمن معتقد است درج این شرط موجب محدودیت تعهدات دولت‌ها در این زمینه می‌شود و شرط مسئولیت اجتماعی تمام حقوق مربوط به محیط زیست و کارگری را در بر نمی‌گیرد، از این‌رو به همین دلیل نتوانسته‌اند به یک نرم یا هنجار بین‌المللی تبدیل شوند (Alston, 2002: 825-829).

۳.۳. مبنای منتخب

به‌نظر می‌رسد، کلیت درج شرط مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های تجاری، اقدامی مناسب در جهت استانداردپذیری این شرط در مراجع رسیدگی حقوقی و فراهم شدن بستری مناسب برای توسعه پایدار هم به لحاظ اجتماعی و هم به لحاظ اقتصادی است. به عبارت دیگر به عقیده نگارندگان، مادامی که بنگاه‌های تجاری مبتنی بر مقرره‌های حقوقی در موافقت‌نامه‌های تجاری، مسئولیت اجتماعی را واقعی نهند، سرمایه‌گذاری و تجارت در معرض خطر عدم پایداری و دوام است و کوچک‌ترین معضل اجتماعی ممکن است سال‌ها بهره‌وری اقتصادی را از بین ببرد. به‌طور مثال عدم توجه یک بنگاه کسب‌وکار به دفع پسماندهای صنعتی بر اساس استانداردهای محیط زیستی ممکن است به شورش بومیان مناطق پیرامون آن بنگاه و در نهایت تعطیلی و یا تعلیق فعالیت و در نهایت عدم بازدهی اقتصادی منجر شود. از این‌رو تجارت و مسئولیت اجتماعی حلقه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که باید رابطه بین این دو حوزه توسط سیاستمداران بین‌المللی در موافقت‌نامه‌های تجاری تنظیم شود. البته نباید از نظر دور داشت با توجه به آماده نبودن جامعه جهانی و کسب‌وکارها جهت ضمانت اجرای حقوقی سخت در جهت تضمین مسئولیت اجتماعی، بهتر است این مسئولیت در چارچوب قواعد نرم در موافقت‌نامه‌ها درج شود.

۴. مسئولیت اجتماعی در گستره موافقت‌نامه‌های تجاری

برای ارزیابی دقیق وضعیت مسئولیت اجتماعی در نظام حقوقی موافقت‌نامه‌های مهم تجاری، ضروری است این مسئولیت از سه منظر مورد مذاقه قرار گیرد. در ادامه به سیر تحول و مبانی، ضمانت اجرا و در نهایت ضمن بررسی آرای موجود، به استانداردپذیری این مسئولیت در مراجع حل اختلاف پرداخته می‌شود.

1. Professor Philip Alston

۱.۴. سیر تحول و مبانی مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های تجاری

نهادهای و مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد مدت‌هاست که حفاظت از محیط زیست و مسئولیت اجتماعی را در توافقات بین‌المللی ترویج می‌کنند (مانند پیمان جهانی سازمان ملل)^۱ اما این توافقات ذاتاً غیرالزام‌آور و داوطلبانه‌اند (Gerard Ruggie, 2007: 819-820). باید توجه داشت که درج مفاد مسئولیت اجتماعی در توافقات تجاری می‌تواند تعهدی قانونی برای کشورهای امضاکننده به وجود بیاورد تا به‌طور بالقوه، اجازه حل اختلاف میان کشور و سرمایه‌گذار را در این زمینه بدهند. نگاه این پژوهش به شرط مسئولیت اجتماعی، نگاهی مفهومی است، ازاین‌رو قیودی که حاوی برخی مضامین این شرط (مانند حقوق اجتماعی و محیط زیست) نیز است، مورد مذاقه قرار می‌گیرد. ازاین‌رو در ادامه، توافق‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی که یکی از مهم‌ترین و عمومی‌ترین توافقات تجارت آزاد جهانی است و کشورهای زیادی اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه در آن عضویت دارند، بررسی می‌شود. توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی و توافق‌نامه آزاد تجاری کانادا-پرو نیز از آن جهت که اولین توافق تجارت منطقه‌ای بود که مفادی در حمایت و حفاظت از محیط زیست و مسئولیت اجتماعی را در خود گنجانده بود، بررسی می‌شود. در نهایت بررسی توافق‌نامه مشارکت حاشیه اقیانوس آرام نیز از آن حیث است که به عقیده محققان بر محیط زیست بسیار تأثیرگذار بوده است (Villareal & Fergusson, 2015: 8).

یکی از دلایل ایجاد سازمان تجارت جهانی و تبدیل گات به یک نظام سازمان‌یافته در نظارت بر تجارت آزاد و عدم پرداخت گات به چالش‌هایی اجتماعی از جمله حقوق محیط‌زیست و حقوق مالکیت معنوی بود (داراب‌پور، ۱۳۹۷: ۱۷) و با اینکه هدف اصلی سلف سابق سازمان (گات) حذف موانع و رفتارهای تجاری تبعیض‌آمیز بود، لیکن هدف تشکیل سازمان تجارت جهانی، تشکیل یک نظام تجاری چندجانبه، کارآمد، یکپارچه و پایدار بود (Van den Bossche, 2010: 85-86). با این حال مطابق گزارش اکوسوک^۲ در خصوص برخی آثار تجارت آزاد بر حقوق بشر، کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، در جهت انجام تعهدات خودشان که ناشی از عضویت در این سازمان است، تعهدات حقوق بشری را نقض می‌کنند (Investment and financial policy sub commission resolution, 1998: 12). کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر، نیز سازمان تجارت جهانی را به‌مثابه بختکی واقعی دانست که بر جوامع انسانی و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه مسلط شده و بازار را بر حقوق بشر اولویت می‌دهد (Hestermeyer, 2014: 268-270). ازاین‌رو به عقیده برخی بر اساس اصول مذکور در این سازمان، هرگونه تعهد غیرتجاری از جمله تعهدات اجتماعی و حقوق بشری که به طریقی در تجارت محدودیت ایجاد کند، نقض تعهدات این

1. United Nations Global Compact

2. United Nations Economic and Social Council (ECOSOC)

سازمان محسوب می‌شود (زمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰). با این حال به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای نظارت جدی‌تر بر مسئولیت اجتماعی و حاکمیت آن بر فعالیت بنگاه‌های چندملیتی در سرمایه‌گذاری گسترش ابزارهای نظارتی جدی‌تر در کشورهای مبدأ سرمایه‌گذاری، از طریق سازمان تجارت جهانی است (قنبری چهرمی و باغبان، ۱۳۹۳: ۱۹۰). علاوه بر این با توجه به اینکه در اهداف سازمان تجارت جهانی در کنار آزادسازی تجارت، ارتقای استانداردهای بالای زندگی و اشتغال کامل و توسعه و پیشرفت و شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز بیان شده است، از این رو این سازمان در کنار تعهدات تجاری نه تنها مسئولیت اخلاقی، بلکه مسئولیت قانونی در جهت اتخاذ سیاست‌هایی در این زمینه دارد.

تا به امروز هیچ اشاره مستقیمی به مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مشاهده نمی‌شود. با این حال، اشاره به برخی از جنبه‌های این مسئولیت در موافقت‌نامه‌های این سازمان قابل مشاهده است. مطابق ماده ۲۰ گات، دولت‌های عضو می‌توانند در موارد ضروری در راستای تضمین اخلاق عمومی و سلامت و حیات انسان، حیوانات یا کره زمین و ممنوعیت محصولات تولیدشده از سوی زندانیان محکوم به کار اجباری و حفظ منابع ملی و جایگزین کردن منابع طبیعی تمام‌شدنی، اقداماتی را اتخاذ نمایند؛ هرچند این اقدامات با اصول موافقت‌نامه در تعارض باشد. البته این اقدامات را نباید به نحوی به اعمال کرد که به تبعیض غیرموجه و خودسرانه یا محدودیت برای تجارت جهانی منجر شود (Powell, 2004: 221). با اینکه این ماده بیشتر در راستای حفاظت از محیط زیست مورد استناد قرار می‌گیرد لیکن می‌توان آن را برای حفاظت از اهداف اجتماعی نیز به کار برد و حقوق بشر را می‌توان از مصادیق اخلاق عمومی تلقی کرد. به همین ترتیب بر اساس ماده ۱۴ موافقت‌نامه گاتس^۱ و بند ۲ ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس^۲ اعضا می‌توانند در مواردی به دلیل حمایت از نظم عمومی، اخلاق حسنه، حمایت از حیات انسان، حیوان، گیاه و سلامت بشر از هرگونه بهره‌برداری تجاری جلوگیری کنند. همچنین دولت‌های عضو می‌توانند شیوه‌های معالجه و جراحی برای انسان و جانوران را براساس بند «الف» ماده ۲۷ این موافقت‌نامه از شمول حق اختراع خارج سازند (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۲۸). بر اساس مقدمه موافقت‌نامه موانع فنی فراروی تجارت^۳ هیچ کشوری در راستای تضمین تجارت آزاد نباید از انجام اقدامات لازم در جهت تضمین کیفیت صادرات خود و یا برای حفاظت از سلامت و حیات انسان و حیوانات و گیاهان و یا حفاظت از محیط زیست منع شود. همچنین بر اساس ماده ۲ موافقت‌نامه مربوط به تدابیر بهداشتی و گیاهی^۴، دولت‌ها محق به اتخاذ تدابیری بهداشتی و بهداشت گیاهی در جهت

1. General Agreement on Trade in Services (GATS)

2. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

3. Technical Barriers to Trade Agreement (TBT)

4. Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary Measures (SPS)

حفاظت از سلامت و حیات انسان‌ها، جانوران و گیاهان هستند. موافقت‌نامه مربوط به کشاورزی^۱ نیز در مقدمه خود بیان کرده که تعهدات این موافقت‌نامه منوط به در نظر گرفتن ضرورت حفاظت از محیط زیست است. مطابق ضمیمه شماره ۲ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات حفاظتی^۲، یارانه‌هایی که آثار سوء محیط‌زیستی ندارند و یارانه‌هایی که برای اجرای برنامه‌های محیط‌زیستی هستند تابع تعهدات مربوط به کاهش یارانه‌ها نیستند (فرضاً یارانه‌های سبز)^۳ و از تعهدات مربوط به کاهش یا ممنوعیت یارانه‌ها معاف‌اند. در نهایت، در برخی از موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای^۴ که بین اعضای سازمان پیرامون کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای منعقد شده است (برای مثال در توافق بین کانادا با پرو، کلمبیا، پاناما، جمهوری کره و هندوراس) آمده است که طرفین باید بهترین اعمال داوطلبانه مسئولیت اجتماعی را در داخل خود تشویق کنند. یا موافقت‌نامه بین اتحادیه اروپا و جمهوری مولداوی و گرجستان مبتنی بر پیمان جهانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ و اصول راهنمای شرکت‌های چندملیتی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی از طرفین رعایت مسئولیت اجتماعی را می‌خواهد (Monteiro, 2016: 34).

توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) سند مهم دیگری است که شایسته بررسی است. هدف اصلی نفتا برداشتن موانع تجارت میان اعضا بود (Lewis & Staff, 2003: 301-304). این توافق باعث برانگیختن ترس میان طرفداران محیط‌زیست و گروه‌های سازمان‌یافته کار شد که معتقد بودند این توافق به افزایش آلودگی و عدم حاکمیت داخلی در قبال مسائل زیست‌محیطی منجر می‌شود (Condon, 2015: 106). این نگرانی‌ها به ایجاد دو توافقنامه جانبی در زمینه محیط زیست و حقوق کارگری منجر شد. نفتا از اولین توافق تجاری در سری توافقات تجارت آزاد بود که ایالات متحده در آن عضو شده و مفادی را مدنظر گرفت که حفاظت از محیط‌زیست را شامل می‌شد. علی‌رغم نوآورانه بودن این شروط اما به شکلی صریح به مسئولیت اجتماعی اشاره نشده بود.

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های گنجانیدن مسئولیت اجتماعی در توافقات تجاری، توافق منطقه‌ای تجارت آزاد کانادا و پرو بود که در آگوست ۲۰۰۹ منعقد شد (Wagner, 2017: 202). در این موافقت‌نامه نیز دو توافق جانبی پیرامون مسائل محیط زیست و حقوق کار منعقد شد. افزون بر این در ارجاعاتی که در مقدمه این توافقات به مسئولیت اجتماعی شد به‌وضوح این مسئولیت را به‌عنوان یک هدف کلی معرفی می‌کرد. توافق جانبی بر محیط‌زیست در تلاش است تا قوانین داخلی دو کشور در زمینه محیط زیست را هماهنگ کند، و به‌طور اخص، از تنوع زیستی پرو حفاظت کند و به‌طریقی به منافع مردم بومی پرو احترام بگذارد.

1. Agreement on Agriculture
2. Agreement on Subsidies and Countervailing Measures
3. Green subsidies
4. regional trade agreements

توافق جانبی حقوق کار در نوع خود از اولین توافقاتی است که از حقوق کارگران دو طرف حمایت می‌کند. این توافق دو طرف را ملزم به حفظ سلامت، ایمنی و از بین بردن کار اجباری می‌کند و وظیفه دارد از همان حمایت‌های قانونی که کارگران بومی بهره می‌برند، کارگران مهاجر نیز بهره‌مند شوند (Kanargelidis et al., 2008: 103). همچنین بر اساس این توافقات «طرفین نباید قوانین داخلی مرتبط با محیط‌زیست، سلامت و ایمنی برای ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی را تضعیف یا از بین ببرند»^۱.

در نهایت توافقنامه مشارکت حاشیه‌ای اقیانوس آرام یک موافقت‌نامه تجاری چندجانبه است که در اوایل ۲۰۰۰ به‌عنوان توافق تجاری کشورهای آبی اقیانوس آرام شروع به کار کرد (Backer, 2014: 53). اعضای این توافقنامه چیزی حدود ۴۰ درصد از تجارت کل جهان را تشکیل می‌دهند (Wilensky, 2015: 10683). از اهداف اولیه این توافق افزایش بازارهای صادرات، فراهم‌سازی مبنایی برای یکپارچه‌سازی اقتصادی و منطقه‌ای آسیا و اقیانوسیه و افزایش رقابت‌پذیری کشورهای شرکت‌کننده است (Backer, 2014: 54). توافقنامه مشارکت حاشیه‌ای اقیانوس آرام دربردارنده مقرراتی درباره استانداردهای محیط زیست و کار است. از این‌رو فصل بیستم در توافقنامه مشارکت حاشیه‌ای اقیانوس آرام به حفاظت از محیط‌زیست و حفظ حیات وحش و حقوق کار اختصاص دارد.

۲.۴. ضمانت اجرای مسئولیت اجتماعی موافقت‌نامه‌های تجاری

به لحاظ لغوی و مفهومی به عقیده محققان «منظور از ضمانت اجرا، هر نیرویی است که موجب می‌شود افراد تحت تأثیر مؤلفه‌های بیرونی یا درونی عملی را انجام دهند یا از انجام آن خودداری ورزند. بر همین اساس تفاوتی نمی‌کند که نیروی مزبور بر مبنای تنبیه شکل گرفته باشد یا تشویق» (شیروی و وکیلی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۳).

از آنجایی که هدف اولیه سازمان تجارت جهانی برداشتن موانع بر سر تجارت آزاد است، موازینی که حاوی محتوای قابل استناد مسئولیت اجتماعی در محاکم است (مانند اخلاق عمومی و محیط زیست) صرفاً می‌تواند اعضا را از رعایت الزامات مربوط به تجارت آزاد با استناد به استثنائات و اثبات آنها در ارکان حل‌وفصل اختلاف معاف سازد؛ از این‌رو عملاً به‌نظر می‌رسد موازین مسئولیت اجتماعی دارای نوعی تضمین مستقیم نیستند. از طرفی در این سازمان همان‌طور که محققان اشاره کرده‌اند، اعمال ضمانت‌نامه مؤثر همانند ضمانت اجرای مالی ماهیتی ارادی و داوطلبانه دارد (رضایی، ۱۳۹۷: ۴۷). در نهایت در موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای منعقدشده در چارچوب این سازمان، علی‌رغم قید شرط مسئولیت اجتماعی، این شرط همان‌طور که بیان شد جنبه تشویقی داشته و قدرت تضمینی حقوقی به صورت سنتی

1. Canada-Peru Free Trade Agreement, at Preamble

ندارد (Monteiro, 2016: 34). با این حال در صورتی که رکن حل و فصل اختلافات این سازمان مبتنی بر استثنائات موجود در موافقت‌نامه‌ها حکمی صادر کند که حاوی تضمین مسئولیت اجتماعی یا برخی از عناصر آن (حقوق محیط زیست، حقوق بشر، حقوق کار و...) باشد؛ برای کشورها الزام‌آور است و عدم انجام حکم موجبات مسئولیت دولت‌ها را فراهم می‌کند (صادقی‌زیازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

در توافقات تجارت آزاد کانادا-پرو نیز اگرچه گنجانیدن مسئولیت اجتماعی به‌نوعی پیشگامانه بود، اما لحنی که برای بیان این مسئولیت‌ها استفاده شده بود الزام‌آور نبود و شرکت‌ها را تشویق و ترغیب می‌کند تا در قلمرو خود به مسئولیت اجتماعی که در سطح بین‌الملل شناخته‌اند احترام بگذارند (Kanargelidis et al., 2008: 103). متأسفانه این اصول ضعیف حتی قابل ارائه به نظام داور حل اختلاف نیستند. در نتیجه، در صورتی که یکی از طرفین این اصول را نقض کند، طرف دیگر راه مؤثری برای دادخواهی و تغییر شرایط ندارد؛ مگر آنکه از مشاوره استفاده کند. زبانی که در توافقنامه مشارکت حاشیه‌ایانوس آرام نیز استفاده شده است، مشابه فصل محیط زیست در توافقات نفتا است که از طرفین می‌خواهد به شکل مؤثری به قوانین زیست‌محیطی‌شان عمل کنند. همچون نفتا، لحن استفاده‌شده در این توافقنامه هیچ‌گاه چنین تعبیر نشده است که جلوی تغییرات یا تضعیف قوانین زیست‌محیطی داخلی را بگیرد؛ بلکه چنین تفسیر می‌شود که اجرای آن تنها در حوزه اختیارات دستگاه‌های اجرایی کشورهاست. اگرچه گفته می‌شد که این توافقنامه از نظر تعهدات اقتصادی و کارگری توافقنامه‌ای قوی است، اما در قبال مسئولیت اجتماعی ساختاری یکسان با توافقات نفتا و توافقنامه تجارت آزاد کانادا-پرو دارد و تضمینات سختی ندارند که بتوان مانع نقض تعهدات توسط کشورها شد.

در عصر کنونی شکل دیگری از ضمانت اجرا وجود دارد که علی‌رغم عدم تضمین دولتی، به‌مراتب مؤثرتر و به عقیده محققان، قوت حقوقی بیشتری دارد؛ که از آن به‌عنوان حقوق نرم یاد می‌شود. مبنای قواعد حقوقی نرم، ارزش‌های اجتماعی است که به‌عنوان ضمانت اجرای اجتماعی نیز شناخته می‌شود و ضمانت اجرای اجتماعی در جای خود ممکن است از ضمانت اجرای کیفری اثرگذارتر باشد (Midttun et al., 2015: 464). بر اساس تجارب موجود، به‌نظر می‌رسد تضمین مسئولیت اجتماعی به شکل تضمینات سخت با مؤلفه‌های تجاری و اقتصادی عصر امروز در عرصه بین‌المللی در تعارض است و از این‌رو بایستی از ابزار نوین حقوقی (حقوق نرم) برای بسترسازی تضمینی آن استفاده کرد. بنابراین موافقت‌نامه‌های تجاری، می‌توانند با درج قید مسئولیت اجتماعی با تضمینی نرم، ضمن تضمین آن مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی، تأثیرگذاری این قید را از روش‌های رایج حقوقی نیز بیشتر کنند و از تعارضات ناشی از تضمین مسئولیت اجتماعی به شکل ضوابط سخت با قیود و مؤلفه‌های تجاری؛ که هدف اصلی این موافقت‌نامه‌ها نیز است، جلوگیری کنند.

۴.۴. استانداردپذیری مسئولیت اجتماعی در چارچوب نظامات حل اختلاف

مسئولیت اجتماعی به عنوان یک ساختار نوظهور زمانی از منظر حقوقی می‌تواند عملیاتی شود که این مسئولیت یا حداقل عناصر آن (مفاهیم اجتماعی و زیست‌محیطی) در استنادات و آرای هیأت‌های حل‌وفصل اختلاف مشاهده شود. در زیر به جایگاه این مسئولیت در رویه‌های حل‌وفصل اختلاف موافقت‌نامه‌های مهم تجاری بین‌المللی اشاره می‌شود.

در قضیه سیگار تایلند، کشور تایلند واردت سیگارهای وارداتی از آمریکا را محدود کرد، زیرا برای سلامتی شهروندان خود خطرناک می‌دید، هیأت رسیدگی این اقدام را مبتنی بر اینکه «ضروری» باشد و اقدامی جایگزین آن فراهم نباشد و به‌طور معقولانه‌ای برای سلامت شهروندان تایلند مضر باشد، منطبق با استثنائات ماده ۲۰ گات دانست (Panel Report, DS10/R - 37S/200, 1990: Para. 74). البته یازده سال بعد رکن حل‌وفصل اختلاف سازمان در پرونده پنبه نسوز، بیان کرد محدودیت‌های صورت‌گرفته باید با خطرهای ناشی از محصولات برای سلامت اجتماعات بشری «متناسب» و این اقدامات حیاتی باشد (Appellate Body Report, WT/DS135/AB/R, 2001: Para. 172). یا در پرونده‌ای دیگر که می‌توان به مابانی و جایگاه رویکرد مسئولیت اجتماعی در آرا و عملکرد سازمان تجارت جهانی پی برد، پرونده معروف ماهی سالمون - شاه ماهی کانادا است که در این پرونده، نه تنها اقدامات «ضروری و حیاتی» برای استثنا تعهدات اعضای سازمان در راستای حفظ منابع تجدیدناپذیر و منابع طبیعی، منطبق با استثنائات ماده ۲۰ گات شناخته شد، بلکه اگر «هدف اولیه» اعضا از ایجاد محدودیت در تعهدات، حفظ منافع طبیعی باشد این اقدام صحیح قلمداد می‌شود (Panel Report, L/6268 - (35S/98, 1998: Para 4).

از طرفی به تعبیر هیأت رسیدگی رکن حل‌وفصل اختلاف سازمان تجارت جهانی «... مفهوم نظم عمومی می‌تواند بسته به زمان و مکان متغیر باشد و در تفسیر آن توجه به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی ضرورت دارد...» (Panel Report, WT/DS285/R, 2004: para. 6.461). لذا امکان تفسیر مسئولیت اجتماعی در چارچوب نظم عمومی نیز برای رکن حل‌وفصل نیز مقدور است (Briese, 2009: 14). با این حال بررسی آرا قضایی موجود در سازمان تجارت جهانی حاکی از این است که اغلب رکن حل‌وفصل اختلاف از تفسیر موسع استثنائاتی چون ماده ۲۰ در موافقت‌نامه‌های تجاری طفره می‌روند (Hilf, 2001: 128).

این شائبه نیز قابل طرح است که چون رکن حل‌وفصل سازمان تنها صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین دولت‌ها را داراست، صلاحیت رسیدگی به تخلفات شرکت‌های خصوصی را ندارد و از آنجایی که مسئولیت اجتماعی اغلب در حوزه عملکرد شرکت‌های فراملی و خصوصی مطرح می‌شود، طرح آن در

چارچوب موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی خالی از اشکال نیست. لیکن، با اینکه سازمان یک سازمان بین‌الدولی است، لیکن اقدامات شرکت‌های خصوصی در صورتی که در راستای نقض تعهدات دولت‌ها در عرصه بین‌المللی باشد، مستقل تلقی نمی‌شود و موجب مسئولیت دولت مزبور است و ازاین‌رو در پرونده ژاپن - فیلم بیان شد اقدامات مستقل شرکت خصوصی نمی‌تواند معاف‌کننده دولت ژاپن از مسئولیت نقض تعهدات باشد (Panel Report, WT/DS44/R, 1998: Para 10). ازاین‌رو نقض تعهدات دولت‌ها مبتنی بر استثنائات عمومی موافقت‌نامه‌ها و یا تعهداتی که رکن حل اختلاف آنها را در چارچوب تعهدات ماده ۲۶ تفاهم‌نامه جزو تعهدات دولت‌ها می‌بیند، در صورتی که توسط اشخاص خصوصی و شرکت‌های فراملی صورت گیرد نیز قابل پیگرد است و ازاین‌رو نقض مسئولیت اجتماعی توسط شرکت‌های فراملی نیز از منظر استنادپذیری در مراجع حل اختلاف قابل استنادند (Vidal-León, 2013: 902).

در نهایت به‌نظر می‌رسد در سازمان تجارت جهانی، امکان استناد به تعهد مسئولیت اجتماعی در چارچوب برخی از مقرره‌های عمومی، استثنائات و ضوابطی چون نظم عمومی که اشاره شد؛ وجود دارد، لیکن باید توجه داشت همان‌طور که هیأت‌های رسیدگی هم اشاره کرده‌اند، استناد به این قیود باید بر حسب ضرورت، متناسب و در مواردی باشد که منفعتی حیاتی در حال تضییع است و اقدامی را نتوان جایگزین آن کرد، البته اعمال شروط استثنا نیز باید بدون تبعیض باشد. این شرایط برای استناد به مسئولیت اجتماعی می‌تواند ضابطه‌ای مناسب در جهت رفع نگرانی و تعدیل منافع اجتماعی و منافع تجاری باشد.

در موافقت‌نامه نفتا برای الزام‌آور کردن قیود مربوط به مسئولیت اجتماعی، اعضا، یک نظام داوری مستقلی را در نظر گرفتند که به طرف آسیب‌دیده این اجازه را می‌دهد که علیه کشورهای متخلف شکایت کند (Condon, 2015: 109). این نظام می‌تواند موجب رفع و اصلاح تخلفات و اجرای قوانین داخلی مرتبط با محیط زیست شود و تأثیر این توافقات را بیشتر کند (Slater, 2015: 143). اگرچه هیچ‌گاه نظام حل اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت در قبال مسائل مرتبط با محیط زیست طرف دیگر را متهم نکرده است، ولی موارد زیادی از نقض این توافق مشاهده شده است (Condon, 2015: 150).

یکی از این ادعاهای مبتنی بر نقض این قوانین در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ و تنها اندکی پس از تصویب موافقت‌نامه نفتا درباره همکاری‌های زیست‌محیطی مطرح شد. این دعوا در خصوص کشته شدن مرموز ۲۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ پرنده در استان گوانجوآتو در مکزیک بود، منطقه‌ای که به کروم آلوده است. با این حال با وجود تصدیق آلودگی شدید، شورای موافقت‌نامه همکاری محیط زیستی نفتا بیان کرد که مرگ این پرندگان ناشی از بوتولیسم طبیعی بوده است و هیچ مسئولیتی برای دولت مکزیک قائل نشد (Holland, 1997: 1232). به‌نظر می‌رسد در این موافقت‌نامه علی‌رغم قید ضوابطی در راستای مسئولیت اجتماعی و تعیین سازوکاری حقوقی برای تضمین آن، رویکرد تجاری غالب بوده و این

سازوکارها، کارایی لازم و کاربردی ندارند. از طرفی بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد سطوح حقوقی در این توافقنامه از حد مشاوره و مصالحه نتوانسته است بیشتر برود؛ با این حال یکی از نکات مثبت فرآیند حقوقی در نفتا که می‌تواند در راستای نرم بودن تضمین مسئولیت اجتماعی نیز باشد، فرصت جبرانی است که هیأت رسیدگی پیش از شروع ارزیابی‌های مالی و خسارت به شخص خاصی می‌دهد و این می‌تواند حاکی از این مسئله باشد که مسئولیت اجتماعی در درجه اول تشویق بنگاه‌های تجاری بر ایفای تعهد خود در برابر اجتماع است و سپس الزام‌های حقوقی سخت و خشک.

در توافقنامه تجاری کانادا - پرو از آنجایی که توافقات محیط زیست و حقوق کار یک توافق جانبی مستقل محسوب می‌شود، این توافق جانبی، نظام حل اختلاف مجزایی دارد که به خصوص موارد نقض محیط زیست و حقوق کار را بررسی می‌کند (Chang-fa; 2009: 314). این توافق، تنها امکان مشاوره را فراهم می‌کند. این اقدام نسبت به گزارش نهایی و هیئت‌های رسمی توافقات تجارت آزاد کانادا-پرو از الزام‌آوری کمتری برخوردار است. اگر هریک از طرفین شکایتی نسبت به مفاد کلی توافق تجارت آزاد کانادا-پرو داشته باشد فرآیند رسمی تری مشابه جلسه دادرسی دادگاه در مورد آن تصمیم‌گیری می‌کند. با این حال، از هیئت حل و فصل رسمی به طور خاص در مورد نقض محیط زیست و مقررات کار در توافق محیط زیست و در توافق کارگری استفاده نمی‌شود (Kanargelidis et al., 2008: 103). در این توافقنامه نیز به وضوح جنبه نرم مسئولیت اجتماعی برداشت می‌شود و نظام حل و فصل اختلاف در این توافقنامه بر مشاوره و توصیه بنا شده است. این امر می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که هنوز جامعه جهانی ظرفیت پذیرش تضمینات سخت و خشک حقوقی برای نقض مسئولیت اجتماعی را ندارد.

در توافقنامه مشارکت حاشیه اقیانوس آرام، فصل بیست و هشتم، همانند توافقات نفتا و توافقات تجارت آزاد کانادا-پرو به حل اختلاف مناقشات میان سرمایه‌گذار و کشور مقابل می‌پردازد. حل اختلاف میان سرمایه‌گذار و کشور مقابل به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد تا شکایات خود را علیه کشور میزبان که مقررات توافقنامه مشارکت حاشیه اقیانوس آرام را نقض کرده است، به داوری‌های موردی^۱ ارائه کنند (Wilensky, 2015: 10683) اما به نظر می‌رسد استانداردهای زیست محیطی و کارگری با نظام حل اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان تضعیف می‌شود. یک نمونه از مواردی که در آن حل اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت میزبان سبب تضعیف استانداردهای زیست محیطی و کارگری شده است و اخیراً نیز اتفاق افتاده مورد استرالیا است. استرالیا در سال ۲۰۱۱ مصوبه بسته‌بندی ساده تنباکو را به تصویب رساند^۲ که بر اساس آن سیگارهایی که در استرالیا فروخته می‌شوند، می‌بایست بسته‌بندی ساده‌ای داشته، برند روی آن ثبت نشده و هیچ‌گونه جذائیتی نداشته باشد. هدف از این قانونگذاری، کاهش جذائیت تنباکو

1. Ad hoc tribunals

2. Tobacco Plain Packaging Act 2011

برای مشتریان و کاهش توانایی خرده‌فروشان در بسته‌بندی گمراه‌کننده بود. چیزی از تصویب این لایحه نگذشته بود که شرکت فیلیپ موریس^۱ با استناد به توافقنامه توسعه و ترغیب سرمایه‌گذاری استرالیا با هنگ‌کنگ، علیه استرالیا و برای از دست رفتن میلیاردها دلار، شکایتی تنظیم کرد^۲، اما اثر نامطلوب این طرح دعوا این بود که، کشور استرالیا و سایر کشورها مجبور شدند اصلاحات مربوط به دخیانیت خود را تا زمان حل مناقشه حقوقی پیش‌آمده به تعویق بیندازند.^۳ همچنین این دعوا سبب شد تا کشورهای همسایه نیز همچون نیوزیلند اجرای قانون بسته‌بندی ساده را به تعویق بیندازند. در نتیجه، فرایند حل اختلافات میان سرمایه‌گذار و کشور میزبان به‌جای الزام‌آور کردن مقررات مربوط به محیط زیست، به منصرف کردن کشورها از تصویب قوانین جدید مرتبط با محیط زیست پایدار و بهداشت عمومی منجر شد که تأثیری مخرب بر محیط زیست داشته است (Wilensky, 2015: 10685).

نقطه عطف این توافقنامه نسبت به سایر توافقات؛ تجربه عدم تناسب ضمانت اجرای سخت با تضمین مسئولیت اجتماعی است. کشورها هنوز تاب مقاومت در برابر بنگاه‌های کسب‌وکار را ندارند تا بتوانند مسئولیت اجتماعی را به‌نحو سخت تضمین کنند. با این حال، در این توافقنامه نیز در ظاهر امکان مشاوره و فرایند توصیه‌ای برای حل و فصل اختلافات در زمینه مسئولیت اجتماعی اولویت دارد. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه توافقات مهم تجاری جهانی که شرح داده شد، نگارندگان معتقد است که استانداردپذیری مسئولیت اجتماعی در نظامات حل و فصل اختلاف در این توافقات باید با احتیاط و ملاحظات دقیقی صورت گیرد؛ والا نهادهای فعال در زمینه تجارت جهانی در مقابل تثبیت حقوقی مسئولیت اجتماعی مقاومت می‌کنند و ممکن است حتی آن را مخل رشد تجارت خود دریابند. به‌نظر می‌رسد استناد به مسئولیت اجتماعی در چارچوب استثنائات، منافع عمومی و نظم عمومی باید فقط در مواردی باشد که منفعتی حیاتی و ضروری در حال از بین رفتن است و راهکار دیگری جز محدودسازی فرآیندهای تجاری برای حفظ آن منفعت اجتماعی وجود نداشته باشد.

۵. چالش‌ها و راهکارهای تثبیت حقوقی مسئولیت اجتماعی در توافقات بین‌المللی تجاری

همان‌طور که پیش از این بحث شد، جامعه جهانی تلاش‌های بسیاری انجام داده است تا قید مسئولیت اجتماعی را از طریق مقررات زیست‌محیطی و کارگری در توافقات وارد کند. با این حال، این تلاش‌ها نتوانستند به حمایت مؤثری از محیط زیست و حقوق کار ختم شود، زیرا چالش‌های در این زمینه وجود دارد که بایستی راهکار حل آن را مذاقه کرد.

1. Phillip Morris

2. East Asia Forum, Australia's Plain Packaging Laws Pass ISDS Round Two, Economywatch 2016

3. Tony Corbin, Australia's Plain Pack 'Concerns' Slows New Zealand Progress, Packagingnews 2016

۵.۱. وضعیت و رویکرد کشورهای در حال توسعه

یکی از چالش‌های پیش‌روی سازمان تجارت جهانی، عدم قید و رعایت موازین بنیادین حقوق کار است. به دلیل قیمت پایین نیروی کار در کشورهای در حال توسعه و مزیت نسبی برای شرکت‌های فراملی در جهت سرمایه‌گذاری در این کشورها این مسئله کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Wilkinson, 1999: 165). همچنین با اینکه نزدیک به سه‌چهارم از اعضای سازمان تجارت جهانی را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند که از مذاکرات دور اروگوئه نقش آنها در مذاکرات درون سازمانی افزایش یافته است (Chase, 2006: 17)، لیکن کشورهای در حال توسعه، با درج قیود اجتماعی در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مخالف‌اند و در این زمینه معتقدند که شرایط کاری بهتر و حقوق کار صرفاً از طریق رشد اقتصادی محقق می‌شود و تحریم‌های تحمیلی و محدودیت بر کشورهایی که استانداردهای اجتماعی حداقلی دارند صرفاً باعث تداوم فقر شده و بهبود استانداردهای اجتماعی را به تأخیر می‌اندازد. این در حالی است که در این کشورها حقوق کارگران و کارگران زن و کودکان نقض شده و استانداردهای اجتماعی مقرر در مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و اسناد حقوق بشری رعایت نمی‌گردد (Mihir, 2012: 389). به نظر می‌رسد تقید به مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی باید به نحوی باشد که به ایجاد موانع جدید برای توسعه کشورهای در حال توسعه منجر نشود، به طوری که این کشورها که اغلب مقصد سرمایه‌گذاری در تجارت جهانی‌اند، با سازوکارهای تضمین حقوقی مسئولیت اجتماعی همراه شوند و آن را مبتنی بر منافع بلندمدت ملت و کشور خود ببینند.

۵.۲. لحن و زبان نرم

زبان نرم و فقدان جدیت قیود می‌تواند از ایجاد و اجرای مقررات روزافزون زیست‌محیطی جلوگیری کند، اما اگر مسئولیت اجتماعی را مصداقی از حقوق بشر بدانیم، به نظر می‌رسد که تنازعات بین حقوق تجارت و حقوق بشر را می‌توان با برتر شمردن حقوق بشر حل و فصل کرد. البته برای این امر، حقوق بشر باید جایگاه قواعد آمره در حقوق بین‌الملل داشته باشد و قواعدی باشد که در جهت حفظ و حمایت از منافع حیاتی و ارزش‌های بنیادی بین‌المللی تلقی شود که در این صورت فی‌الواقع بر حاکمیت کشورها نیز توفیق دارد و هر موافقت‌نامه‌ای مستند به کنوانسیون وین در تضاد با قواعد آمره باطل است (زمانی، ۱۳۶: ۱۳۷۷). لیکن به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه فعلی مسئولیت اجتماعی در نظام حقوقی بین‌المللی، حداقل در مقطع فعلی تلقی این حق بشری به عنوان قاعده آمره بین‌المللی محل ایراد است. با این حال همان‌طور که محققان اشاره کرده‌اند، اصل رفتار منصفانه در موافقت‌نامه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری نیز می‌تواند محمل حقوقی مناسب دیگری برای تضمین حقوقی مسئولیت اجتماعی باشد. توضیح بیشتر

اینکه فرضاً با اینکه در بیشتر موافقت‌نامه‌ها اجازه خروج آزادانه سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های کسب‌وکار داده شده است، اما در مواردی که خروج سرمایه سبب آثار مخربی چون بیکاری و بحران اقتصادی شود، دولت می‌تواند خروج سرمایه را مشروط کند و سرمایه‌گذار نمی‌تواند به اصل رفتار منصفانه توسل جوید. همچنین سرمایه‌گذار متعهد است که قوانین محلی دولت میزبان را رعایت کنند و عدم رعایت آن باید موجب رد ادعای رفتار منصفانه در مورد او شود (پاسبان و اصغری، ۱۳۹۴: ۶۷).

به نظر می‌رسد یکی از ابزارهای مناسب در راستای تحقق و تثبیت حقوق اجتماعی و زیست‌محیطی در تجارت و اقتصاد، اعمال سیاست‌های تشویقی به جای سیاست‌های تنبیهی و ضمانت‌نامه سخت باشد. بدین شکل که از طریق پذیرش داوطلبانه مقررات و یا ایجاد مزایای تجاری در برابر اقدامات قهری، حقوق اجتماعی محقق شود. نمونه موفق این مسئله را می‌توان در برنامه نظام عمومی ترجیحات جامعه اروپا در سال ۲۰۰۴ به وسیله هند و تایلند و برخی دیگر از اعضای سازمان تجارت جهانی دانست که بر اساس آن، به کشورهایی که معیارهای اجتماعی و محیط زیستی را رعایت کرده و اقداماتی در زمینه مبارزه با مواد مخدر انجام دهند، ترجیحات تجاری تعلق می‌گیرد (زمانی و رحمان نسب امیری، ۱۳۹۵: ۱).

۵.۳. غلبه رویکرد تجاری در مراجع رسیدگی

همان‌طور که بررسی شد، رویکرد سنتی رکن حل‌وفصل اختلاف، غلبه رویکرد تجاری بر رویکرد اجتماعی و زیست‌محیطی در رسیدگی‌های قضایی است. این مراجع جسارت صدور رأی به نفع مصالح اجتماعی به دلیل اقتضای ذاتی موافقت‌نامه‌های تجاری را ندارند. لذا جنبه‌های اجتماعی را در رسیدگی‌های خود لحاظ نمی‌کنند و همیشه ترس دارند که در صورت لحاظ آن، بیش از اختیاراتشان عمل کرده و متهم به اظهارنظر قضایی فراتر از خواسته دعوا شوند (Dhananjay Joshi & Gurpur, 2020: 564). رویه رکن حل‌وفصل اختلاف سازمان تجارت جهانی که مرجع اصلی رسیدگی به اختلافات مربوط به تجارت و محیط زیست است چنین موضوعی را تأیید می‌کند و اغلب در تعارض میان حقوق اجتماعی و تجاری، کفه ترازو به نفع نظام تجاری سنگینی می‌کند (هستر میر، ۱۳۹۱: ۳۲۳). برای مثال در اختلاف آمریکا علیه جامعه اروپا^۱ و شکایت کانادا علیه جامعه اروپا^۲ به دلیل دستورالعمل آوریل ۱۹۹۶ در مورد منع واردات گوشت گاو هورمونی، هیأت‌های رسیدگی‌کننده در همه موضوعات رأی به نفع شاکی دادند و استانداردهای جامعه اروپا در خصوص ایمنی غذایی را مستند به ضمیمه الف (۳) موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی (که به مقدار مجاز کاربرد مواد شیمیایی در غذا بر اساس نظر یک رکن بین‌المللی (کمیسیون کدکس آلمینتاریوس) اشاره می‌کند)، توجیه‌پذیر ندانستند. آنچه از این پرونده

1. WT/DS26/R/USA18 August 1997
2. WT/DS48/R/CAN 18 August 1997

برمی‌آید این است که هیأت‌های رسیدگی به سطوح حمایتی بیشتر از استانداردهای بین‌المللی در حمایت از حیات انسانی و منافع اجتماعی توجه کافی مبذول نداشته‌اند و با گذاشتن بار اثبات بر دوش جامعه اروپا، روند رسیدگی را به‌سوی ترجیح منافع تجاری بر منافع اجتماعی سوق داده‌اند. به‌نظر می‌رسد علت این وضعیت این باشد که مسئولیت اجتماعی در این مواد به‌صراحت به‌عنوان یک اصل مورد استناد قرار نگرفته است و دولت‌ها نیز تمایلی به استناد به منافع عمومی جهت توجیه قوانین خود ندارند و این استثنائات برای تضمین مسئولیت اجتماعی کافی نیست. نکته دیگر اینکه آیین‌های حل‌وفصل اختلاف فقط برای اعضای سازمان تجارت جهانی ممکن است و اشخاص، سازمان‌های محیط زیستی غیردولتی در این میان نقشی ندارند و رسیدگی‌های مزبور غیرعلنی بوده و کارشناسان این مراجع اغلب کارشناسان تجاری هستند (یزدانی، ۱۳۸۵: ۲۱۵). در همین زمینه پیشنهاد می‌شود که موافقت‌نامه‌های تجاری در راستای شمول اهداف اجتماعی و حقوق بشری از طریق سازوکار تجاری و قانونی اصلاح و چارچوبی مدون و قانونی برای تبیین و شفافیت تعهدات دولت‌های عضو در این زمینه تبیین شود. بدیهی است امکان حضور آزادانه نمایندگان جامعه مدنی در فرایند مذاکراتی و رسیدگی‌های تجاری به‌عنوان یک رکن رسیدگی و یا واضع در این توافقات و سازمان‌ها نیز در تغییر این وضعیت بسیار مؤثر است.

۵.۴. بالا بودن هزینه‌های داوری

همان‌طور که در قضیه استرالیا و شرکت فیلیپ موریس اشاره شد، کشورها از رویارویی هزینه‌بردار با شرکت‌های چندملیتی حذر می‌کنند. ترس از هزینه‌های دادرسی یا خسارت‌ها در ارکان حل‌وفصل اختلافات سبب شده است تا کشورها از پیشبرد مقررات زیست‌محیطی و کارگری خود دست بکشند. از طرفی کشورهای در حال توسعه به‌دلیل شوق جذب سرمایه از استناد به موازین محیط زیستی و تصویب داخلی آن به‌سبب عدم اکراه سرمایه‌گذاران خودداری می‌کنند، زیرا هزینه غیرمستقیم تصویب و استناد به این موازین، فراری دادن سرمایه‌گذار از کشور آنهاست. کشورهای در حال توسعه معتقدند که هزینه کار پایین و موازین اجتماعی پایین سبب مزایای رقابتی برای آنها شده و این ادعای کشورهای پیشرفته مبنی بر بهبود وضعیت اجتماعی و حقوق بشر صرفاً شکل پنهانی از حمایت‌گرایی است و نه تنها موجب بهبود وضعیت مسئولیت اجتماعی نمی‌شود، بلکه به ایجاد اختلال در رسیدن به اقتصاد توسعه‌یافته منجر می‌شود (Sajó, 2002: 255). البته برای ترمیم این وضعیت، رویکرد مراجع داوری به نفع حمایت از منافع دولت میزبان در حال تغییر است. برای مثال در قضیه «سالوکا» دیوان داوری به‌کرات بر این نکته تأکید دارد که «هیچ سرمایه‌گذاری نمی‌تواند به‌نحو معقولی انتظار داشته باشد که شرایط غالب در زمان ایجاد سرمایه‌گذاری به‌طور کلی بدون تغییر باقی بماند» (میهمی، ۱۳۹۸: ۲۷۲). از این‌رو به‌نظر می‌رسد

باید توافقات تجاری در راستای نیل به تجارت جهانی پایدار اجازه دهند سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی به‌عنوان خواهان و یا «یاوران و دوستان دادگاه»^۱ برای استناد به موازین اجتماعی و زیست‌محیطی بدون پرداخت هیچ هزینه دادرسی و بدون هیچ ترسی مبنی بر تحمیل هزینه‌های غیرمستقیم ارجاع به داوری (مانند فراری دادن سرمایه‌گذار) در دعاوی مرتبط ورود کنند.

۵.۵. نگرانی سوءاستفاده دولت‌ها از شرط مسئولیت اجتماعی

یکی از تردیدهای ورود شرط مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های تجاری، امکان سوءاستفاده دولت‌ها خلاف موازین تجاری ذاتی این توافقات است. با این حال این نگرانی با توسل به اصول کلی حقوقی قابل رفع است. برای مثال هم رکن حل‌وفصل اختلاف سازمان تجارت جهانی و هم دیوان داوری ایکسید، در دعاوی گوناگون از جمله دعوای ال‌جی (ICSID Case No. ARB/02/1, 2006: Para. 214) و همچنین کانتیننتال کازالتی به طرفیت دولت آرژانتین (ICSID Case No. ARB/03/9, 2008: Para. 182)، به‌نحو صریح اعمال شروط مبتنی بر منافع عمومی را منوط به رعایت حسن‌نیت از سوی دولت دانسته‌اند. حسن‌نیت به معنای پرهیز از سوءاستفاده از شروط در تعارض با مفاد معاهده تعریف شده است. در اختلاف بین دولت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نیز که به‌دنبال توقیف برخی از دارایی‌های ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۳۹۵ مورد رسیدگی قرار گرفت، دولت آمریکا با این استدلال که ماده ۲۰ عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی میان ایران و آمریکا مورخ ۱۹۵۵ میلادی (۱۳۳۴ شمسی) مانع از آن نخواهد بود که آن دولت، اقدامات ضروری مغایر عهدنامه را که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و منافع اساسی امنیتی لازم است، انجام دهد و بر همین اساس خواستار آن شد تا دیوان به صدور قرار عدم صلاحیت اقدام کند که اعضای دیوان به اتفاق آرا این ایراد و اعتراض دولت آمریکا را نپذیرفتند (ICJ Rep, 2019: Para. 20 & 41). از آرای صادره چنین استنباط می‌شود که مسئولیت اجتماعی و منافع اجتماعی، متأسفانه همواره به‌عنوان ابزار بهانه‌جویی و سوءاستفاده کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است تا بتوانند بدین‌وسیله مقاصد سیاسی خود را اعمال کرده و در برخی موارد از رشد و توسعه کشورها جلوگیری کنند و به تعبیر دیگر رشد و توسعه کشورها را بر اساس مقاصد سیاسی و انتفاعی کشور خود مدیریت کنند.

۶. ارزیابی جایگاه و مبانی مسئولیت اجتماعی در نظام حقوقی ایران

در نظام کلاسیک حقوق سرمایه‌گذاری ایران، مضامین معاهدات در جهت حمایت از سرمایه‌گذار است و این روند تا اواسط دهه ۹۰ ادامه داشت. پس از آن، معاهدات سرمایه‌گذاری با تحولی بنیادین با کمی

1. Amicus Curiae

تأخیر اما همراهی با جنبش جهانی معاهدات سرمایه‌گذاری روبه‌رو شد و توازن میان حقوق کشور میزبان و حقوق سرمایه‌گذار و دغدغه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی بروز یافت. با این حال در معاهدات دوره کلاسیک، قیودی چون نظم عمومی، بهداشت و اخلاق عمومی را شاید بتوان مبنای اعمال مسئولیت اجتماعی دانست؛ هرچند به نظر می‌رسد گسترش شمول دامنه این مصادیق به مسئولیت اجتماعی بسیار دشوار است، زیرا با وجود این شروط، اتخاذ هر سیاستی که منافع سرمایه‌گذار را تحت تأثیر قرار دهد، ممکن است دولت را با خطر از دست دادن میلیون‌ها دلار به علت نقض معاهده روبه‌رو کند. همچنین قدرت مالی و دانش حقوقی شرکت‌های سرمایه‌گذاری با توجه به تجربه زیاد و کم‌تجربگی سیاستمداران ایرانی و ناآشنایی به حقوق بین‌الملل و عدم دسترسی به وکلا و قضات مجرب و متخصص در حقوق بین‌الملل و بالتبع ترس از طرح دعوی توسط سرمایه‌گذاران و ناتوانی پرداخت خسارت‌های کلان در حوزه سرمایه‌گذاری عامل دیگری در شکست در محاکم و مراجع بین‌المللی می‌گردد و این موارد به تجربه‌های ناموفقی در داورها منجر شده است. فرضاً دیوان دآوری ایران-آمریکا^۱ در پرونده فلیس داج^۲، با اینکه از نگرانی‌های مالی، اقتصادی و اجتماعی ایران باخبر بود اما خوانده (ایران) را به پرداخت غرامت به فلیس داج محکوم کرد.^۳ یا در پرونده تیپتس، ایت، مکاری، استراتن و شرکت مهندسان مشاور تامز افا ایران و دیگران، دیوان دآوری ایران-آمریکا به صراحت قصد از حمایت از کارگران را رافع مسئولیت نمی‌داند (تیموری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵). همچنین در پرونده فیلیپ به طرفیت دولت ایران و در قضیه استارت هاوزینگ به طرفیت ایران، رویکرد کلاسیک و حمایت افراطی از منافع سرمایه‌گذار در برابر منافع دولت میزبان به وضوح مشهود است (باغبان، ۱۳۹۳: ۱۳). بدین ترتیب این رویه منجر به این شده است که به کرامت انسان و حقوق بنیادین کشور ایران اغلب توجه نشود؛ هرچند مراجع رسیدگی‌کننده در برخی موارد مانع سوءاستفاده دولت‌ها از استناد به ابعاد غیراقتصادی به سبب نقض عهدنامه‌ها شده‌اند.^۴

در معاهدات دوره مدرن که اغلب به دلیل رفع تحریم‌ها در دوره پسابرجام منعقد شد، به شکلی مشابه در مقدمه معاهدات بیان شده است که هدف از این معاهدات سرمایه‌گذاری، توسعه پایدار و توازن کلی بین حقوق و تعهدات سرمایه‌گذار و دولت میزبان (نه صرفاً حمایت از حقوق سرمایه‌گذار) و تشویق مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. برای مثال در موافقت‌نامه بین ایران و ژاپن، در بند ۵ ماده ۱ بر کمک مؤثر بر اقتصاد دولت میزبان از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اساسی کسب‌وکار و سازمان‌های

1. Iran-United States Claims Tribunal

2. Phelps Dodge

3. Phelps Dodge, 10 Iran-US CTR 130: (1986): 22

۴. ر.ک: مبحث قبل (اختلاف بین دولت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نیز که به دنبال توقیف برخی از دارایی‌های ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری رسیدگی شد).

تحقیق و توسعه غیرانتفاعی تأکید شده است. همچنین در تمامی معاهدات این دوره، مسئولیت اجتماعی با سیاستی نرم تشویقی و صرفاً تعهدی برای دولت‌های طرف معاهده در نظر گرفته شده است و در نهایت ضمانت اجرای در نظر گرفته شده، درخواست یا دعوت به مذاکره است (ماده ۸ موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری متحده تانزانیا، ۱۳۹۵).

از منظر قانونگذاری داخلی، به نظر می‌رسد مسئولیت اجتماعی در حال حاضر هنوز نتوانسته است به‌عنوان یک گفتمان غالب در نظام حقوقی ایران پدیدار شود و دلایل آن این است که در ایران عموم مردم فاقد بینش و دانش کافی از مسائل حقوق بشری و زیست‌محیطی‌اند و سازمان‌های مردم‌نهاد کمتری فعالیت دارند. در صورتی که همان‌طور که گفتیم، یکی از عوامل رشد و تثبیت مسئولیت اجتماعی، فعالیت این نهادها و افزایش آگاهی عمومی است. از طرفی به دلیل پراکندگی قومی در ایران، مسئله مسئولیت اجتماعی و حقوق بشر نتوانسته به‌عنوان یک فرهنگ غالب تثبیت شود. در حوزه حقوق سرمایه‌گذاری نیز، به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و سوابق تاریخی منفی از جذب سرمایه‌گذار، همچون قرارداد داری و رویکرد اغلب منفی سیاستمداران به سرمایه‌گذاری خارجی، معاهدات سرمایه‌گذاری اندکی میان ایران و کشورهای دیگر منعقد شده و از این رو نظام سرمایه‌گذاری در ایران نتوانسته است همگام با سایر کشورها پیش رود. اما با توجه به اینکه ایران یکی از کشورهای نفت‌خیز و دارای منابع تجدیدناپذیر است، حفاظت از این منابع در راستای توسعه پایدار از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها به‌شمار می‌رود. از این رو ضروری است شرط مسئولیت اجتماعی را در همه معاهدات سرمایه‌گذاری خود وارد کند تا چنانچه اقدامات مرتبط با سرمایه‌گذاری، منافع اجتماعی را به مخاطره اندازد، دولت ایران بتواند در عین حال که اقدامات لازم را انجام می‌دهد، عمل مغایر معاهده مرتکب نشده و در نتیجه مسئول قلمداد نشود. با این حال در نظام حقوقی سرمایه‌گذاری ایران، چنانچه از مضمون «منافع عمومی» که در اغلب معاهدات و قوانین سرمایه‌گذاری قید می‌گردد، تفسیری موسع شود، می‌تواند دربردارنده مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی باشد. فرضاً در بند «ب» ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران مصوب ۱۳۸۰ هم یکی از ضوابط پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، عدم تهدید امنیت ملی و منافع عمومی، تخریب محیط زیست، اخلال در اقتصاد کشور و تضییع تولیدات مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های داخلی مقرر شده است. با این حال مرجع حل اختلافی که صلاحیت رسیدگی به اختلافات میان طرفین را دارد، محدوده منافع اساسی امنیتی کشور میزبان را معین می‌کند. برای مثال در اختلاف مربوط به سکوی نفتی میان ایران و آمریکا دیوان بین‌المللی دادگستری بیان کرد تنها این مرجع صلاحیت دارد تا صحت اقدامات انجام گرفته توسط یکی از طرفین را که مغایر با عهدنامه است، داخل در قلمرو منافع عمومی تشخیص دهد یا خیر (ICJ Rep, 2003: Para. 43). در دو دعوایی هم که طی سال‌های اخیر، ایران علیه آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح کرده است، همین رویکرد توسط این مرجع

بین‌المللی اتخاذ شده است. در یکی از این دعاوی، ایران مستند به ماده ۲۱ عهدنامه مودت و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱ در خصوص لغو تحریم‌های اضافی آمریکا^۲ در سال ۲۰۱۶ و متعاقب آن، فرمان اجرایی ظالمانه ترامپ مبنی بر بازگشت تحریم‌ها^۳، از آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد. در مقابل، آمریکا با این استدلال که حفاظت از منافع عمومی و اساسی کشور خود اقتضا داشته است تا نسبت به ایران این تحریم‌ها را اعمال کند، خواستار صدور قرار عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری شد. در نهایت دیوان دریافت که بر اساس بند ۲ ماده ۲۱ معاهده مودت صلاحیت دارد که دادخواست ثبت‌شده توسط جمهوری اسلامی ایران در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸ را بپذیرد و در سوم اکتبر ۲۰۱۸ (۱۱ مهر ۱۳۹۷) درخواست ایران مبنی صدور اقدام موقت را پذیرفت و طی دستوری مبتنی بر ماده ۲۱ عهدنامه مودت از آمریکا درخواست کرد تا تحریم‌های دارویی و وسایل پزشکی، مواد غذایی و کشاورزی، قطعات یدکی، تجهیزات و خدمات مرتبط هوایی را لغو و مجوزهای لازم اعطا کند و پرداخت‌ها و سایر نقل و انتقالات وجوه مربوط به کالاها و خدمات مذکور را صادر کند. در این پرونده با وجود استدلال آمریکا مبنی بر این مسئله که دعوی حاضر از استثنائات ماده ۲۰ عهدنامه مودت در زمینه منافع امنیتی اساسی آمریکاست، دیوان به اتفاق آراء، ایراد راجع به مستثنا بودن اقدامات مربوط به منافع امنیتی اساسی مندرج در قسمت «د» بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه مودت را در این مرحله رد کرد و آن را مربوط به مرحله ماهوی دانست (ICJ Rep, 2018: 623). در دعوی دیگر که مربوط به شکایتی است که ایران به دنبال مصادره دو میلیارد دلار از اموال و دارایی‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی در آمریکا بر اساس دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ علیه این کشور نزد دیوان بین‌المللی دادگستری طرح کرد، دیوان ضمن پذیرش صلاحیت خویش برای رسیدگی به اختلاف، ایرادات ایالات متحده آمریکا را نپذیرفت. در این اختلاف نیز همانند اختلاف سابق‌الذکر آمریکا مدعی بود که در راستای حفظ منافع امنیتی اساسی مبادرت به توقیف دارایی‌های ایران کرده است. دیوان با این استدلال که در عهدنامه مقرر صریحی در خصوص مستثنا کردن صلاحیت دیوان وجود ندارد و بند «ج» ۱ ماده ۲۰ نیز صلاحیت این مرجع را محدود نمی‌کند، به اتفاق آراء، اعتراض آمریکا را رد کرد (ICJ Rep, 2019: Para. 7).

به نظر می‌رسد با توجه به تلاش ایران برای الحاق به سازمان تجارت جهانی در سال‌های اخیر، اعمال سیاست‌هایی مبنی بر تثبیت حقوقی مسئولیت اجتماعی در نظام تجاری و سرمایه‌گذاری، باید به‌نحوی باشد که «بدون تبعیض»، «متناسب»، «حیاتی» و در نهایت «ضروری» باشد.^۴ از این رو توقف یا تعلیق

1. Joint Comprehensive Plan of Action ("JCPOA")

2. additional sanctions

3. Executive Order 13716 of 16 January 2016

۴. فرضاً در بند ۱ ماده ۱۳ عهدنامه دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران و ژاپن مقرر شده است: «انجام اقدامات استثنایی توسط

اقدامات سرمایه‌گذار باید با توجه به تجربه موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی مبتنی بر معیارهای مذکور باشد، والا به اکراه سرمایه‌گذار به دلیل ترس از مصادره اموالش به بهانه‌های مختلف و در نهایت شکست بازار سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذار منجر می‌شود. در مقابل بی‌توجهی به تثبیت حقوقی مسئولیت اجتماعی در حقوق ایران، به استعماری به شکل حقوقی از منابع زیست‌محیطی و اجتماعی کشور به دست سرمایه‌گذاران، بدون توجه به توسعه پایدار می‌انجامد. از این رو برای تضمین رعایت مسئولیت اجتماعی در نظام حقوقی سرمایه‌گذاری ایران، بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته و تجربه موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی پیشنهاد می‌شود در درجه نخست، دولت سیاست‌هایی را اعمال کند که آگاهی عمومی در زمینه مسئولیت اجتماعی از طریق سازمان‌های مردم نهاد افزایش یابد. دوم، معاهدات، موازین مسئولیت اجتماعی و کدها و استانداردهای داوطلبانه‌ای که خود شرکت‌ها آنها را تنظیم می‌کنند، به‌عنوان منبع تفسیر معرفی کند و محاکم و وکلای ایرانی نیز جسارت بیشتری در استناد به موازین نرم به‌عنوان یک ابزار تضمینی حقوق دارند و آن را در نظام حقوقی ایران تثبیت کنند.

در نهایت، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ایران کشوری سرشار از منابع غنی محیطی و ارزش‌های فرهنگی، مذهبی و قومی ریشه‌داری است، باید دولتمردان در انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری، مبتنی بر منافع و مصالح عمومی، به مسئولیت اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته باشند. همچنین نزاکت بین‌المللی ایجاب می‌کند تا هنگام تدوین توافقنامه‌ها و برای پیشگیری از بروز مشکل و تفسیرهای ناصواب، این موضوع را قید کرده و به سرمایه‌گذاران خارجی و دولت متبوع آنها خاطرنشان سازند. البته مجریان اعمال‌کننده این شرط نیز باید به الزامات و شرایط آن تسلط کامل داشته تا با رعایت آنها، کشور مکلف نباشد خسارات وارده به سرمایه‌گذاران را جبران کند؛ خسارتی که بی‌تردید باید از جیب مردم پرداخت گردد.

۷. نتیجه

حلقه مفقوده عمده موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و تجارت در عرصه بین‌المللی در چند دهه اخیر، مسئولیت اجتماعی بوده است. درج شرط مسئولیت در توافقات تجاری به دلیل تضاد با رویکرد و اقتضائات سنتی این معاهدات همیشه مورد اختلاف محققان بوده است، با این حال به نظر می‌رسد، کلیت درج شرط مسئولیت اجتماعی در موافقت‌نامه‌های تجاری، اقدامی مناسب در جهت استنادپذیری این شرط در مراجع رسیدگی حقوقی و فراهم شدن بستری مناسب برای توسعه پایدار هم به لحاظ اجتماعی و هم به لحاظ اقتصادی است.

کشور عضو معاهده نباید به روش خودسرانه یا توجیه‌ناپذیر و تبعیض‌آمیز و یا محدودیت‌های فریبنده نسبت به سرمایه‌گذاران دیگر کشور عضو صورت پذیرد» در این معاهده، بر خلاف رویه معمول در دیگر عهدنامه‌ها، حفاظت از منابع طبیعی مصرف‌شدنی و تجدیدنپذیر به‌عنوان استثنای تقریر نشده است (Wang, 2017: 449).

مادامی که بنگاه‌های تجاری مبتنی بر مقرره‌های حقوقی در موافقت‌نامه‌های تجاری، مسئولیت اجتماعی را واقعی ننهند، سرمایه‌گذاری و تجارت در معرض خطر عدم پایداری و دائم است و کوچک‌ترین معضل اجتماعی ممکن است سال‌ها بهره‌وری اقتصادی را از بین ببرد. ازاین‌رو تجارت و مسئولیت اجتماعی حلقه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای هستند که باید رابطه بین این دو حوزه توسط سیاستمداران بین‌المللی در موافقت‌نامه‌های تجاری تنظیم شود. البته نباید از نظر دور داشت با توجه به آماده نبودن جامعه جهانی و کسب‌وکارها جهت ضمانت اجرای حقوقی سخت به‌منظور تضمین مسئولیت اجتماعی، بهتر است این مسئولیت در چارچوب قواعد نرم در موافقت‌نامه‌ها درج شود. ازاین‌رو بر اساس تجارب موجود، به‌نظر می‌رسد تضمین مسئولیت اجتماعی به شکل تضمینات سخت با مؤلفه‌های تجاری و اقتصادی عصر امروز در عرصه بین‌المللی در تعارض است و ازاین‌رو باید از ابزار نوین حقوقی (حقوق نرم) برای بسترسازی تضمینی آن استفاده کرد. ازاین‌رو موافقت‌نامه‌های تجاری، می‌توانند با درج قید مسئولیت اجتماعی با تضمینی نرم، ضمن تضمین آن مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی، تأثیرگذاری این قید را از روش‌های رایج حقوقی نیز بیشتر کنند و از تعارضات ناشی از تضمین مسئولیت اجتماعی به شکل ضوابط سخت با قیود و مؤلفه‌های تجاری که هدف اصلی این موافقت‌نامه‌ها نیز است، جلوگیری کنند.

در چارچوب نظام حقوقی تجارت جهانی، با وجود تلاش‌هایی برای درج مسئولیت اجتماعی یا برخی مؤلفه‌های آن (چون حقوق بشر و محیط زیست)، اما این تلاش‌ها نتوانسته‌اند چارچوبی اجرایی و الزام‌آور و مستقل برای این شرط ایجاد کنند. به‌نظر می‌رسد با توجه به جایگاه فعلی مسئولیت اجتماعی در نظام حقوقی بین‌المللی، حداقل در مقطع فعلی تلقی این حق بشری به‌عنوان قاعده آمره بین‌المللی محل ایراد است. با این حال همان‌طور که محققان اشاره کرده‌اند، اصل رفتار منصفانه در موافقت‌نامه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری نیز می‌تواند محمل حقوقی مناسب دیگری برای تضمین حقوقی مسئولیت اجتماعی باشد. نکته دیگر اینکه بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته به‌نظر می‌رسد عدم موفقیت تضمین حقوقی این مسئولیت ممکن است به نحوه بیان و زبان توافقات برگردد که صرفاً تشویق به پیروی از قوانین اجتماعی می‌کنند. از طرفی در رسیدگی مراجع حل‌وفصل اختلاف این توافقات آزاد، رویکرد تجاری غالب است. هزینه‌های بالای دادرسی‌ها، و در نهایت امکان سوءاستفاده از این شرط از سوی دولت‌ها از مهم‌ترین موانع تثبیت حقوقی این شرط در موافقت‌نامه‌های تجاری است.

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه توافقات مهم تجاری جهانی، به‌نظر می‌رسد استنادپذیری مسئولیت اجتماعی در نظامات حل‌وفصل اختلاف در این توافقات باید با احتیاط و ملاحظات دقیقی صورت گیرد؛ والا نهادهای فعال در زمینه تجارت جهانی در مقابل تثبیت حقوقی مسئولیت اجتماعی مقاومت کنند و ممکن است حتی آن را مخل رشد تجارت خود دریابند. همچنین به‌نظر می‌رسد استناد به مسئولیت اجتماعی در چارچوب استثنائات، منافع عمومی و نظم عمومی بایستی فقط در مواردی

باشد که منفعتی حیاتی و ضروری در حال از بین رفتن است و راهکار دیگری جز محدودسازی فرایندهای تجاری برای حفظ آن منفعت اجتماعی وجود نداشته باشد.

پیشنهاد می‌شود که موافقت‌نامه‌های تجاری در راستای شمول اهداف اجتماعی و حقوق بشری از طریق سازوکار تجاری و قانونی اصلاح شود و چارچوبی مدون و قانونی برای تبیین و شفافیت تعهدات دولت‌های عضو در این زمینه تبیین شود. بدیهی است امکان حضور آزادانه نمایندگان جامعه مدنی در فرایند مذاکراتی و رسیدگی‌های تجاری به‌عنوان یک رکن رسیدگی و یا واضح در این توافقات و سازمان‌ها نیز در تغییر این وضعیت بسیار مؤثر است.

مبتنی بر تجربه بین‌المللی مورد بررسی، به‌نظر می‌رسد در نظام حقوقی ایران، علاوه بر وجود خلأ بنیادی در شناسایی مسئولیت اجتماعی از نظر قانونی، استفاده از ابزار نرم به‌عنوان یک پشتوانه حقوقی مناسب کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که ایران به‌عنوان یک کشور سرشار از منابع تجدیدناپذیر و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری باید ضمن اینکه مسئولیت اجتماعی را در مقررات و معاهدات سرمایه‌گذاری خود تضمین کند، مجریان سیاست‌ها نیز باید در راستای تضمین حقوقی مسئولیت اجتماعی مبتنی بر قید «منافع عمومی» در قوانین سرمایه‌گذاری و معاهدات، منافع اساسی و حیاتی اجتماع را در نظر گیرند تا در مراجع رسیدگی توجیهات محکمی برای دفاع داشته و موجب عدم جذب سرمایه‌گذاران خارجی نشود. همچنین نزاکت بین‌المللی ایجاب می‌کند تا هنگام تدوین توافقنامه‌ها و برای پیشگیری از بروز مشکل و تفسیرهای ناصواب، این موضوع را قید کرده و به سرمایه‌گذاران خارجی و دولت متبوع آنها خاطرنشان سازند. البته مجریان اعمال‌کننده این شرط نیز باید به الزامات و شرایط آن تسلط کامل داشته تا با رعایت آنها، کشور مکلف نباشد خسارات وارده به سرمایه‌گذاران را جبران کند؛ خساراتی که بی‌تردید باید از جیب مردم پرداخت گردد. به‌نظر می‌رسد با توجه به تلاش ایران برای الحاق به سازمان تجارت جهانی در سال‌های اخیر، اعمال سیاست‌هایی مبنی بر تثبیت حقوقی مسئولیت اجتماعی در نظام تجاری و سرمایه‌گذاری، باید به‌نحوی باشد که «بدون تبعیض»، «متناسب»، «حیاتی» و در نهایت «ضروری» باشد. در نهایت بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته و تجربه موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی پیشنهاد می‌شود در درجه نخست، دولت سیاست‌هایی را اعمال کند که آگاهی عمومی در زمینه مسئولیت اجتماعی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد افزایش یابد. دوم، معاهدات، موازین مسئولیت و کدها و استانداردهای داوطلبانه‌ای که خود شرکت‌ها آنها را تنظیم می‌کنند، به‌عنوان منبع تفسیر معرفی کند و محاکم و وکلای ایرانی نیز جسارت بیشتری در استناد به موازین نرم به‌عنوان یک ابزار تضمینی حقوق دارند و آن را در نظام حقوقی ایران تثبیت کنند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. فاطمی‌نژاد، سیدصلاح‌الدین (۱۳۹۷). *سازمان جهانی تجارت و حقوق بین‌الملل بشر*. تهران: میزان.
۲. هستر میر، هولگر (۱۳۹۱). *حقوق بشر و سازمان تجارت جهانی، اختراعات و دسترسی به دارو*. ترجمه و تحقیق: هاله حسینی اکبرنژاد و حوریه حسینی اکبرنژاد، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۱. پاسبان، محمدرضا و اصغری، زینب (۱۳۹۴). نقش رفتار منصفانه در حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی با تأکید بر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی. *پژوهش حقوق خصوصی*، ۸(۸)، ۴۳-۷۰.
۲. تیموری، محمدصادق؛ جنیدی، لعلیا؛ صقری، محمد و عباسیان، رضا (۱۳۹۷). سلب مالکیت غیرمستقیم سرمایه‌گذاران خارجی؛ جستاری در حقوق ایران و بین‌الملل. *پژوهش حقوق خصوصی*، ۹(۲۴)، ۳۶-۳۹.
۳. حساس یگانه، یحیی و برزگر، قدرت‌اله (۱۳۹۲). مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری. *حسابداری مدیریت*، ۲۲(۲)، ۱۰۹-۱۳۳.
۴. رضایی، علی (۱۳۹۷). ضمانت‌نامه مالی در نظام حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی. *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ۱(۹)، ۴۷-۷۰.
۵. زمانی، سیدقاسم (۱۳۷۷). جایگاه قواعد آمره در منابع حقوق بین‌الملل. *مجله حقوقی*، ۲۲(۲)، ۳۱۷-۳۴۴.
۶. زمانی، سید قاسم و رحمان نسب امیری، نسیم (۱۳۹۵). ظرفیت‌ها و موانع اتحادیه اروپا در ایجاد تعهدات حقوق بشری برای شرکت‌های فراملی. *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۶(۱)، ۱-۱۸.
۷. شیروی، عبدالحسین و وکیلی‌مقدم، محمدحسین (۱۳۹۳). ضمانت اجرای فراحقوقی و جایگاه آن در حقوق نرم. *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۱(۵)، ۱-۲۷.
۸. صادقی‌زیازی، حاتم، محمدحسین رضائی قوام‌آبادی و مهدی علیزاده (۱۳۹۸). خدمات کارگری در سازمان جهانی تجارت. *تحقیقات حقوقی*، ۸۵(۸)، ۱۲۱-۱۴۶.
۹. قنبری جهرمی، محمدجعفر و باغبان، رحیم (۱۳۹۳). اقامه دعوا علیه بنگاه‌های چندملیتی: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، چالش‌ها. *تحقیقات حقوقی*، ۶۷(۶۷)، ۱۸۹-۲۱۴.
۱۰. قنبری جهرمی، محمدجعفر و نگین شفیعی‌بافتی (۱۳۹۲). قاعده‌مندسازی مسئولیت زیست‌محیطی شرکت‌های فراملی در حوزه آلودگی نفتی دریایی، پیوند میان حقوق نرم و حقوق سخت. *تحقیقات حقوقی*، ۱۳(۱۳)، ۱۷۱-۲۱۰.
۱۱. میهمی، مهدی (۱۳۹۸). انتظارات مشروع سرمایه‌گذار در تقابل با منافع اساسی کشور میزبان و تحلیل آن به عنوان ریسک سیاسی. *پژوهش حقوق خصوصی*، ۲۸(۲۸)، ۲۵۵-۲۸۴.

۱۲. نوری یوشانلوئی، جعفر و جوهر، سعید (۱۳۹۳). مفهوم‌شناسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری در حقوق آلمان، فرانسه، انگلستان و ایران با رویکرد تطبیقی. *مجله حقوق تطبیقی*، (۲)، ۶۰۳-۶۲۷.
۱۳. یزدانی، حسین (مترجم) (۱۳۸۵). نقش نظام‌های قضایی بین‌المللی در حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی و راهکارهای تحکیم دادرسی‌های بین‌المللی در این اختلافات. *مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ۶(۱۹)، ۲۱۵-۲۳۶.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱. باغبان، رحیم (۱۳۹۳). *تعهدات و مسئولیت شرکت‌های چندملیتی و دولت مبدأ*. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه علوم و تحقیقات.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Van den Bossche, P. (2010). *The Law and Policy of the World Trade Organization: Text, Cases and Materials*. Cambridge: Cambridge University Press.

B) Articles

1. Alston, P. (2002). Resisting the Merger and Acquisition of Human Rights by Trade Law. A Reply to Petersmann. *European Journal of International Law*, 13(4), 815-844.
2. Backer, L. C. (2014). The Trans-Pacific Partnership: Japan, China, the U.S. and the Emerging Shape of a New World Trade Regulatory Order. *Washington University Global Studies Law Review*, 13(1), 49-81.
3. Brieze, R., & Schill, S. (2009). Djibouti v France: Self-judging Clauses before the International Court of Justice. *Melbourne Journal of International Law*, 10(1), 1-19.
4. Chang-fa, L. (2009). Environmental Protection through FTAs: Paradigm Shifting from Multilateral to Multi-Bilateral Approach. *Asian Journal of WTO and International Health Law and Policy*, Vol. 4(2), 309- 324 .
5. Chase, K. (2006). Multilateralism Compromised: The Mysterious Origins of GATT Art24. *World trade review*, 15(1), 1-30.
6. Civins, J., & Mendoza, M. (2008). Corporate Sustainability and Social Responsibility: A Legal Perspective. *Texas Bar Journal*, Vol.71, 368-420.
7. Condon, M. (2015). The Integration of Environmental Law into International Investment Treaties and Trade Agreements: Negotiation Process and the Legalization of Commitments. *Virginia Environmental Law Journal*, 33(1), 103-129.
8. Dhananjay Joshi, R., & Gurple, S, (2020). The Silent Spring of Human Rights in Investment Arbitration: Jurisprudence Constante through Case-Law Trajectory. *Arbitration International*, 36(4), 557-570.
9. Gathii, J. T. (2001). Construing Intellectual Property Rights and Competition Policy Consistently With Facilitating Access to Affordable Aids Drugs to Low-End Consumers. *Florida Law Review*, Vol. 53, 727-778.
10. Gerard Ruggie, J. (2007). Business and Human Rights: The Evolving International

- Agenda. *The American Journal of International Law*, 101(4), 819-840.
11. Hestermeyer, H. P (2014). Economic, Social and Cultural Rights in the World Trade Organization: Legal Aspects and Practice, in: E. Riedel & G. Giacca, Economic, Social, and Cultural Rights: *Contemporary Issues and Challenges*. *King's College London Law School Research Paper*, 43, 260-286.
12. Hilf, M. (2001). Power, rules and principles - which orientation for WTO/GATT law?. *Journal of International Economic Law*, 4(1), 111-130.
13. Holland, A. (1997). The North American Agreement on Environmental Cooperation: The Effect of the North American Free Trade Agreement on the Enforcement of the U.S. Environmental Laws. *Texas Law Review*, (28), 1219- 1238.
14. Kanargelidis, G., Van Zeyl, E., & Hussain, M. (2008). Canada Enter New Trade Agreements with South America. *INT'L TRADE L. REG*, Vol. 14(5), 102-130.
15. Licht, A. N (2003). The Maximands of Corporate Governance: A Theory of Values and Cognitive Style. *Delaware Journal of Corporate Law*, (29), 648-744.
16. Midttun, A., Gjørlberg, M., Kourula, A., Sweet, S., & Vallentin, S. (2015). Public Policies for Corporate Social Responsibility in Four Nordic Countries: Harmony of Goals and Conflict of Means. *Business & Society*, 54(4), 464-500
17. Mihir, K. (2012). Human Rights and Multilateral Trade: A Pragmatic Approach to Understanding the Linkages. *Journal Jurisprudence*, 3(1), 389-420.
18. Monteiro, J. A. (2016). Typology of environment-related provisions in regional trade agreements. *WTO Staff Working Papers*, 1(3), 1-109.
19. Petersmann, Ernst-Ulrich (2002). Time for a United Nations 'Global Compact' for Integrating Human Rights into the Law of Worldwide Organizations: Lessons from European Integration. *European Journal of International Law*, (13), 621-650.
20. Powell, S.J. (2004). The Place of Human Rights Law in World Trade Organization Rules. *Florida Journal of International Law*, (16), 1-14.
21. Sajó, A. (2002). Socioeconomic Rights and the International Economic Order. *New York University Journal of international law & politic*, (35).
22. Slater, T. L. (2015). Investor-State Arbitration and Domestic Environmental Protection. *Washington University Global Studies Law Review*, 14(1), 131-154.
23. Staff, M. J., & Lewis, C. W. (2003). Arbitration Under NAFTA Chapter 11: Past, Present, and Future. *Houston Journal of International Law*, 25(2), , 302- 333.
24. Vidal-León, C. (2013). Corporate Social Responsibility, Human Rights, and the World Trade Organization. *Journal of International Economic Law*, 16(4), 893-920.
25. Villarreal, M. Angeles, Fergusson, I. F. (2017). The North American Free Trade Agreement (NAFTA). *Congressional Research Service Report*, <https://sgp.fas.org/crs/row>
26. Wagner, A. (2017). The Failure of Corporate Social Responsibility Provisions within International Trade Agreements and Export Credit Agencies as A Solution. *Boston University International Law Journal*, (35), 195-219.
27. Wang, W. (2017). The Non-Precluded Measure Type Clause in International Investment Agreements: Significances, Challenges, and Reactions. *ICSID Review - Foreign Investment Law Journal*, 32, (2), 447- 456.
28. Wilensky, Meredith (2015). "Reconciling International Investment Law and Climate Change Policy: Potential Liability for Climate Measures Under the Trans-Pacific

Partnership. *ENVTL. L. REP. NEWS & ANALYSIS*, Vol. 45(7), 10683-10697.

29. Wilkinson, R. (1999). Labour and trade-related regulation: beyond the trade-labour standards debate?. *British Journal of Politics and International Relations*, 1(2), 165–191.

C) Report

1. Appellate Body Report, European Communities — Measures Affecting Asbestos and Products Containing Asbestos, WT/DS135/AB/R, (12 March 2001)
2. Panel Report, Canada- Measures Affecting Exports of Unprocessed Herring and Salmon, L/6268 - 35S/98, (22 March 1988).
3. ICJ. Reports, Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America, Provisional Measures, Order of 3 October 2018.
4. ICJ. Reports, Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objections, 2019.
5. ICJ Report, Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America, 2003.
6. ICSID Case No. ARB/03/9, Continental Casualty Company v. Argentine Republic, Award of 5 September 2008
7. ICSID Case No. ARB/02/1, LG & E Energy Corp., LG & E capital Corp., LG & E International Inc. v. Argentine Republic, Decision on Liability of 3 October 2006
8. Panel Report, Japan - Measures Affecting Consumer Photographic Film and Paper, WT/DS44/R, (31 March 1998).
9. Panel Report, Thailand - Restrictions on Importation of and Internal Taxes on Cigarettes, DS10/R - 37S/200, (7 November 1990).
10. Panel Report, United States-Measures Affecting the Cross-Border Supply of Gambling and Betting Services, WT/DS285/R, (10 November 2004)

D) Document

1. United Nations commission on human rights the realization of economic, social; and cultural rights, human rights as the primary objective of trade, investment and financial policy sub commission resolution 1998/12.